



# پیوندهای ناپایدار!

- \* ازدواج‌های پایدار و ناپایدار .
- \* اساس خانواده در گذشته و حاضر .
- \* زبان‌های ازدواج‌های ناپایدار .

## ازدواج‌های پایدار و ناپایدار

دانشمندان علوم طبیعی ترکیب عناصر را بر دو نوع میدانند . یکی ترکیب پایدار و دیگری ترکیب ناپایدار . میکوبند : اگر میل ترکیبی میان دو عنصر زیاد باشد ، از پیوند آن دو عنصر موجودی ثابت و پایدار بوجود می‌آید ؛ که باین زودیا از یکدیگر جدا نمی‌گردند ، مثلاً اگر گلیولهای خون و اکسید کربن (گاز سمی و خطرناک) با یکدیگر ترکیب شوند ، چون میل ترکیبی گلیولها با اکسید کربن ۲۵۰ مرتبه بیشتر از ترکیب گلیولها با اکسیژن است ، ترکیبی پایدار و سخت بوجود می‌آید . در برابر این نوع ترکیب ناپایداری هم وجود دارد ، که پس از گذشت زمانی از یکدیگر جدا شده ؛ هر یک پهنه‌هایی را خود را در پیش می‌گیرند . عامل اصلی را باید فقدان میل ترکیبی شدید دانست .

\* \* \*

## اساس خانواده در گذشته و حاضر

ازدواج دختر و پسر در حقیقت ترکیبی است که میان دو موجود انسانی ، نرم‌اندام انجام می‌گیرد ، در گذشته که این پیوندها بر اساس تمایلات فطری ، تحقق می‌یافت ، و خواسته‌های

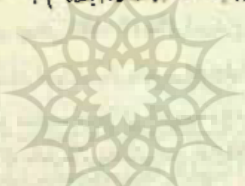
فطری (موازیین وجدانی و دینی) تعدیل میشد ، نوعاً این نوع پیوندها دوام پذیر بود ، جدائی و تفرقه ننگ و سوزناکی شمرده میشد ، و باصلاح خودمان زنان می‌گفتند ؛ با چادر بخانه شوهر آمد ، پایدا کن از آنجا بدر شویم ؛ چون طلاق را یک نوع رسوائی میدانستند . زن و شوهر مجبور بودند ؛ از تمایلات هوس انگیز خود ، صرف‌نظر کنند ، و در برابر نقائص کوچکی که در هر یک دیدم میشد ، شکیبائی پیش‌سازند . اولین اثری که از این نوع طریقتگر ، در محیط خانوادگی بوجود می‌آید ، این بود که همه اعضا خانواده با کمال صمیمیت و نشاط زندگی میکردند و جنگ و جدال در محیط خانه بوجود نمی‌آید . و اگر گاه در مواردی اختلافی پیش می‌آمد ، با رعایت اصول انسانی از قبول عاطفه و گذشت و ترحم و شکیبائی دوران آن بحران ، هر چه زود پایان میرسید .

ولی متأسفانه باید اعتراف کرد ، که یکی از آفت‌های اجتماعی که مدت‌راست اجتماع ما را تهدید میکند ، موضوع ازدواج‌های ناپایدار است ، در هر جایین سخن فراوان شنیده میشود ؛ فلانی با چهار پنج بچه از شوهرش طلاق گرفت ، و فلان خانواده ، هنوز چند روزی از موسم عقدشان نگذشته بود ، که میانشان جدائی افتاد ؛ و نظائر این نوع صحنه‌ها فراوان است . و دانشمندان علم الاجتماع و علاقه‌مندان اصول تربیتی باید برای حل این مشکل فکری و بیچاره بیدار شوند ، آمارگیری‌های دقیق فضاحت رسوائی این موضوع را آشکار می‌سازد . مطالعه دقیق این واقعیت و روشن‌سازی می‌سازد که عامل مؤثر پیدایش این نوع طلاق‌های است ، که اساس پیوند ها در اجتماع ما بطور ترکیب‌های ناپایدار بوجود می‌آید ، یک عشق زودگذر ، يك هوس کوتاه ، يك شهوت کاذب ، امثال آنها ، عامل ازدواج‌شمرده میشود ، بسیار روشن است که هیچ‌کس نمیتواند باینکه اشتهای کاذب اساس و شالوده خانوادگی را بریزی کرد .

## زبان‌های ازدواج‌های ناپایدار

معمالمد دقیق حاکی است که تحقیق این نوع پیوندها و تر لرل آن مشکلات اجتماعی فراوانی را بوجود می‌آورد ، که نمی‌توان به برخی از آنها اشاره کرد ، در چنین جوامعی فضائل اخلاقی ، جای خود را به خواهی‌های درندگی خواهد داد ، حتی بدیهی است ، وقتی انسان مشاهده کند که زن و پسر عواطف و وجدان را نادیده می‌گیرند ، و برخلاف احساسات انسانی خانواده را بدبخت و بیچاره می‌سازد ، خود بخود حس انتقام‌جویی ، آن‌هم باشد بدترین دشمن خود نمائی میکند . پس از ذکر این مقدمه بخوبی روشن می‌گردد که چگونه مردی حاضر می‌شود زنی

بر پاسی ضربه کارد بقتل بر سائله و با بصورت او اسید باشد ؛ اینها دونه های آن عمه ساکی است که تعدادی از نصر بکات انتقام چوپایانه ، معلول بی اعتنائی ؛ و عدم توجه زنان به تعابلات انسانی و وجدانی است ، چندی پیش در تهران این موضوع دهان بدعان گشت که زنی از خانواده های متشخص تهران ، در یک شب بستی بر اثر اشکهای کاذب بچوانی علاقه مندی کرد و برای ارضاء این شهوت زود گذر ؛ آبرو و حیثیت خود و خانواده خود را پایمال کرده ، عاطفه و وجدان را نادیده گرفته ، بدنیاال هوی و هوس خود روان می گردود ، از همه عجیب تر شاخهای شوهرش و گربه های کودک چهار پنج ساله اش نتوانست مادر گناهکار را از لغزش بازدارد . بخواهی روشن است که گسترش این نوع رفتارهای اخلاقی اساسی ، اساس خانواده را متزلزل مینماید و مسائل اساسی تربیت کودک امله دیده ، مسائل اخلاقی دچار شکستی گردد ، ناگفته پیداست که منظور از تحلیل این نوع جریانها این نیست که هر مرد وزنی در مواقع بروز بحرانها و اختلافات ، بکارهای مادی دست بزنند بلکه مقصود اصلی روشن کردن عوامل فساد اجتماعی و پیش گیری از آن ها می باشد (بقیه مقاله در شماره آینده ) .



## مسلمان نباید تن بذلت بدهد

امام صادق (ع) میفرماید : ان الله فوض الی المؤمن کل شیء الا اذلال نفسه ؛ تمام کارهای شمس با ایمان بخود او واگذار شده است ، جز خوار کردن خویش که هرگز نباید اسباب خواری خود را فراهم آورد .

(کافی ج ۵ ص ۶۳)